



International Conference on The School of Martyr Soleimani
(ICSMS 2021)

Investigating Effects of Shahid Haj Qasem Soleimani's Jihad on
the Geopolitical Expansion of Resistance Axis

Ayoub Poorghayoomi *
Meysam Rezaei **
Fatemeh Shaer ***

Abstract

Since the Islamic Revolution triumph, the US-led hegemonic, with supports of some countries in the region, has designed and pursued processes to limit the Islamic Republic of Iran in national, regional and international dimensions. On the other hand, the geopolitical expansion of Resistance Axis has been the strategic thinking of the Islamic Republic of Iran to deal with the complex, hybrid and multifaceted threats of the hegemonic and its regional allies.

Hence, investigating factors affecting this issue is essential. In this regard, this applied-developmental study by case-based approach aims to explain "effects of Shahid Haj Qasem Soleimani's jihad on the geopolitical expansion of Resistance Axis".

The results show that Sardar Shahid Soleimani's jihad and his role in advancing the region strategies of Iran through designing a unique strategy based on combining semi-military and government force, in addition to developing the discourse and deepening Islamic revolution's scopes, has deepened Iran's geopolitical influence and increased national, regional and international authority. This approach, in addition to overcoming the terrorist groups supported by the Hebrew-Arabic-Western current, confronts the geopolitical environment and the hegemonic's influence with a strategic dilemma and has revealed the anti-terrorist nature of the Resistance Axis to the world and has distinguished between violent Islam and anti-violence Islam.

Keywords: *Sardar Shahid Haj Qasem Soleimani, Axis of Resistance, Geopolitics, Geometry of Power, Islamic Revolution*

* Assistant Professor of Imam Hussein University.
** PhD in Geography and Urban Planning, University of Isfahan. (M_Rezaei3000@yahoo.com).
*** Master of Geography and Rural Planning, University of Isfahan. (F.Shaer135@gmail.com)



بررسی تأثیر مجاهدت شهید حاج قاسم سلیمانی بر گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت

فاطمه شاعر***

دکتر میثم رضائی**

دکتر ایوب پورقیومی*

چکیده

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، نظام سلطه به رهبری آمریکا و با دنباله روی و حمایت برخی کشورهای منطقه روندها و فرایندهایی را برای محدودسازی جمهوری اسلامی ایران در ابعاد ملی، منطقه ای و بین‌المللی، طراحی و پیگیری نموده است. در جانب مقابل، گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت، تفکر راهبردی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات پیچیده، ترکیبی و چند وجهی نظام سلطه و متحدان و هم پیمانان منطقه‌ای آن‌ها بوده است. از این رو مطالعه و پژوهش در مورد عوامل اصلی اثرگذار بر این مقوله، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در همین راستا، این پژوهش که از نوع کاربردی- توسعه‌ای است، با استفاده از روش موردی زمینه‌ای، «تأثیر مجاهدت شهید حاج قاسم سلیمانی بر گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت» را به عنوان هدف اصلی تبیین نموده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مجاهدت‌های سردار شهید سلیمانی و نقش ایشان در پیشبرد راهبردهای منطقه‌ای ایران از طریق معماری یک استراتژی منحصر به فرد مبتنی بر تلفیق قدرت شبه‌نظامی و قدرت دولتی، ضمن توسعه گفتمان و تعمیق دامنه انقلاب اسلامی، نفوذ ژئوپلیتیک ایران را عمق بخشیده و موجب افزایش اقتدار ملی، منطقه ای و بین‌المللی گردیده است. این رویکرد، علاوه بر غلبه بر گروه‌های تروریستی مورد حمایت جریان عبری-عربی- غربی، فضای ژئوپلیتیک و شعاع اثر نفوذ نظام سلطه را با تنگنای راهبردی مواجه ساخته و موجب آشکار شدن ماهیت ضد تروریستی محور مقاومت برای جهانیان و تمیز اسلام خشونت طلب از اسلام خشونت ستیز شده است.

کلیدواژه‌ها: سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، محور مقاومت، ژئوپلیتیک، هندسه قدرت، انقلاب اسلامی

* استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)

** دانش آموخته دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه اصفهان، M_Rezaei3000@yahoo.com

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، F.Shaer135@gmail.com



مقدمه

منطقه غرب آسیا که اروپایی‌ها به نسبت دوری و نزدیکی خود به این منطقه آن را خاورمیانه می‌نامند، از نظر ژئوپلیتیک، نقطه اتصال شرق به غرب و جنوب به شمال جهان است. بزرگ‌ترین بازارهای پرکشش جهانی در این منطقه وجود دارد و چهارراه تجارت جهانی نامیده می‌شود. بعد از کشف نفت در این منطقه و پس از جنگ جهانی دوم، توجه ویژه به این منطقه کانونی بود (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۴۴). این منطقه در طول دوران جنگ سرد همواره شاهد تحولات و دگرگونی‌هایی بوده که امنیت و سیاست در سطح بین‌المللی را به شدت متأثر کرده است. در دوره پس از جنگ سرد نیز تحولات مهمی در این منطقه رخ داده که بر ساختار قدرت و امنیت بین‌المللی تأثیری جدی داشته است (صادقی و لطفی، ۱۳۹۵: ۴۲).

از آنجایی که منطقه خاورمیانه دارای اهمیت سوق‌الجیشی است، صلح، امنیت و ثبات آن پیش شرط دستیابی به صلح، امنیت و ثبات جهانی محسوب می‌شود. این منطقه در چند سال گذشته کانون اصلی بحران‌های جهانی و محل اصلی رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای بوده است. تحولات مهمی که در طول چند دهه اخیر در منطقه خاورمیانه به وقوع پیوسته است موجب تغییراتی در ساختار و توازن قدرت در سطح منطقه شده و کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران را در معرض دگرگونی‌های و تحولات پرشماری قرار داده است. این تغییر و تحولات با چالش‌ها و مسائل مختلفی همراه بوده است و امنیت ملی بازیگران منطقه و از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۰).

در چند سال اخیر نیز این کانون پر اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی جهان با تبدیل شدن به جولانگاه گروه‌های تروریستی نوظهور و سپس حرکت به سمت ساختار پسا داعش عرصه‌ای پیچیده و پر بحران را در برابر تمامی قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی قرار داده است. حتی ائتلاف‌های ضد داعش به رهبری محور غربی-عبری-عربی‌اشاری برای موازنه ژئوپلیتیک و تغییرات در جغرافیای سیاسی و ساختار ژئوپلیتیکی منطقه به نفع دشمنان ایران بوده است (دریگوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۷۹)؛ اما اقدامات هوشمندانه جمهوری اسلامی ایران سبب تحول در منطقه غرب آسیا شده و معادلات نظام بین‌الملل را از هم گسسته و مانع رسیدن آن‌ها به اهدافشان در ارتباط با ایران شده است. به نحوی که می‌توان مهم‌ترین پیامد اقدامات جمهوری اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه را مقابله با ترتیبات سیاسی آمریکا در منطقه و تقابل با رژیم صهیونیستی برای پیاده‌سازی طرح و برنامه‌هایشان دانست.

بر اساس همین رویکرد؛ با شکل‌گیری اسلام سیاسی برآمده از گفتمان انقلاب اسلامی، محور مقاومت با رهبری و نقش محوری ایران شکل گرفت. چرا که بر اساس اندیشه سیاسی رهبران انقلاب اسلامی ایران، حفظ نظام جمهوری اسلامی ایران و عمق‌بخشی و توسعه گفتمان و آرمان انقلاب از مبانی اصلی تأمین امنیت به شمار می‌روند که میان امنیت ملت‌های مسلمان و امنیت ملی، پیوند برقرار کرده است. با این وصف، تقویت و توسعه محور مقاومت، موجب امنیت جمهوری اسلامی خواهد شد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۶). بر همین اساس می‌توان گفت که یکی از دستاوردهای مهم امنیتی انقلاب اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه، تقویت محور مقاومت اسلامی ایران و به خصوص تحکیم پیوند شیعیان در منطقه خاورمیانه است. قدرت‌گیری شیعیان در عراق، رشد حزب‌الله در لبنان و گسترش مبارزات شیعیان بحرین و یمن و مبارزه با تروریسم تکفیری در سوریه سبب نگرانی امنیتی محور غربی-عبری-عربی گردیده است و صحنه ژئوپلیتیک خاورمیانه را بر خلاف میل آمریکا و رژیم صهیونیستی دچار تغییر اساسی کرده است (صادقی و لطفی، ۱۳۹۵: ۴۱).

لذا با توجه به اینکه تحول ژئوپلیتیکی منطقه نشان‌گر بروز تغییر و دگرگونی در الگوها، نظم‌ها و ساختارهای ژئوپلیتیکی است؛ باید برای فهم تحولات ژئوپلیتیکی، علل وقوع تحول و همچنین اندیشه نقش‌آفرینان اصلی از جمله



رهبران و نهادهای تصمیم‌گیرنده را درک کرد (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۲). از این رو در پژوهش حاضر جهت رسیدن به این هدف؛ تأثیر انقلاب اسلامی با تأکید بر نقش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت مورد بررسی قرار گرفته است.

مبانی نظری

ژئوپلیتیک

اصطلاح ژئوپلیتیک اگرچه در نوشته‌های دوران تاریخی، از ارسطو گرفته تا قرن بیستم، مورد اشاره قرار گرفته است، اما به عنوان یک مبحث دانشگاهی، پیشینه‌ای کوتاه دارد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۴۲). ژئوپلیتیک علم رقابت و گسترش حوزه نفوذ حکومت‌ها و کنشگران سیاسی است که درصدد کسب قدرت و تصرف ابزارها، اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آن‌ها قدرت و امکان چیرگی بر رقیب را می‌دهد. آن‌ها برای تصرف فرصت‌ها و مقدمات، در مکان و فضای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه دهند و آن‌ها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و بر عکس رقبا را از فضای مورد منازعه برانند (حافظنیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۳).

به عبارت دیگر؛ ژئوپلیتیک عبارت است از: مطالعه رفتار سیاسی دولت‌ها، گروه‌ها و سازمان‌ها در مورد جنبه‌های فضایی، محیطی و انسانی (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۱). ژئوپلیتیک یعنی برنامه‌ریزی برای سیاست‌های امنیتی یک کشور با توجه به پدیده‌های جغرافیایی (Karabulut, 2005: 28)؛ به نقل از: دریکوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۸۲).

ژئوپلیتیک ایران

در نظریه‌های سنتی، ژئوپلیتیک ایران جایگاه ویژه‌ای دارد؛ برای نمونه، مکتبدر بخش عمده‌ای از ایران را در قلمروی حاشیه و در مجاورت هارتلند قرار داد. اسپایکمن، ایران را در بخش حساس ریملند دید و کوهن کشورمان را بخشی از کمربند خرد شده خاورمیانه می‌دانست. ماهان بر موقعیت گذرگاهی ایران بر سر راه روسیه به اقیانوس هند تأکید داشت. از منظر دسترسی ایران به حوزه‌های نفتی بزرگ خلیج فارس و دریای مازندران و به قلمروهای ژئوپلیتیکی خلیج فارس، اقیانوس هند، خزر، فلات ایران، شبه قاره هند و جنوب آسیا، آسیای مرکزی، قفقاز، بین‌النهرین و شبه جزیره عربستان و جنوب غرب آسیا دسترسی دارد. ایران به سازه‌های ژئوپلیتیکی خلیج فارس، حوزه خزر، دریای عمان، اقیانوس هند، حوزه زبان فارسی، حوزه جهان اسلام، اوپک، قاره آسیا و جنوب غرب آسیا تعلق دارد (کاویانی‌راد و مالدار، ۱۳۹۶: ۸۴۴).

به عبارت دیگر؛ ایران از نظر موقعیت جغرافیایی دارای وضعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی است. این موقعیت، ایران را تبدیل به کشوری بین‌المللی کرده است که همواره در معادلات جهانی نقش برجسته‌ای به آن می‌دهد. موقعیت ژئوپلیتیکی ایران با انزوای سازگار نیست و نوعی سیاست خارجی برون‌گرا و فعال را به سیاست‌گذاران توصیه می‌کند (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۹). از طرف دیگر موقعیت خاص ایران، همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی آن فراهم آورده است. با پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط رژیم پهلوی، ایران که یکی از متحدین آمریکا و غرب در منطقه بود به نیرومندترین دشمن آن‌ها در منطقه تبدیل شد و منافع آن‌ها را آماج حملات تبلیغی خود قرار داد. از این رو، غرب از جانب ابعاد جدیدی از ژئوپلیتیک ایران احساس خطر می‌کند. یکی از مهم‌ترین این موارد، عوامل اعتقادی و ایدئولوژیک و در رأس آن ژئوپلیتیک اسلامی - شیعی می‌باشد. ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی در مرکز جهان اسلام و در قلب جهان تشیع واقع شده است که در ترکیب با عوامل و عناصر ژئوپلیتیک مهم دیگری چون ژئوپلیتیک انرژی، ژئوپلیتیک دسترسی و ژئوپلیتیک سلطه موقعیت ژئوپلیتیک بسیار حساس



از لحاظ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و مانند آن دارای توانمندی زیادی است. در دهه‌های اخیر، بروز تحولاتی نظیر انقلاب اسلامی در ایران و موفقیت‌های «حزب الله» در لبنان، موجب شده ایفای نقش شیعیان در کانون تحولات قرار بگیرد. عوامل مزبور به همراه استقرار شیعیان در بطن مناطق راهبردی همراه با توانمندی جغرافیای اقتصادی (ژئواکونومیک) بالا، سبب ارتقای جایگاه تشیع و تبدیل آن به یک مؤلفه ژئوپلیتیک قدرتمند گردیده است (پیشگامی فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱).

پیشینه پژوهش

در حوزه ژئوپلیتیک ایران و به ویژه ژئوپلیتیک محور مقاومت تحقیقات، مطالعات و پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است. با توجه به اهمیت و دامنه پژوهشی و تازگی پژوهش در مورد نقش حاج قاسم سلیمانی در گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت، این موضوع دارای اهمیت انجام مطالعات جدیدتر و گسترده‌تر را دارد. در ذیل به تعدادی از پژوهش‌های صورت گرفته در این ارتباط اشاره می‌شود:

- حافظ‌نیا و همکاران (۱۳۹۱): در پژوهشی با عنوان «انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران» این فرضیه را مطرح می‌کنند که ژئوپلیتیک ایران پس از انقلاب اسلامی متأثر از مفاهیم و استراتژی‌هایی چون صدور انقلاب، تشکیل امت واحده اسلامی، نه شرقی - نه غربی، آمریکا ستیزی، اسرائیل ستیزی، دفاع از مظلومان و آزادی خواهان جهان، حمایت از جنبش‌های آزادی بخش، ام‌القری شدن و خروج از پیمان سنتو و ورود به پیمان عدم تعهد ماهیتی انبساطی پیدا کرده است و برخلاف ژئوپلیتیک ایران در دوره پهلوی دوم که به نیابت از آمریکا و متأثر از استراتژی‌های این کشور؛ که ماهیتی وابسته و موقعیتی محلی داشته، وقوع انقلاب اسلامی سبب شده ژئوپلیتیک ایران سرشتی مستقل و ابعادی جهانی پیدا کند.

- صادقی و لطفی (۱۳۹۵): در پژوهشی تحت عنوان «بحران یمن: جدال ژئوپلیتیکی محور محافظه کاری با محور مقاومت اسلامی» به این نتیجه رسیده است که عربستان سعودی نمی‌خواهد موازنه قوا در منطقه به سود دیگر رقبای همچون ایران و به تبع آن محور مقاومت تغییر یابد؛ از این رو با حمله به یمن به دنبال رسیدن به چند هدف مهم است که مهم‌ترین آن‌ها ایجاد ارباب و وحشت در میان دیگر گروه‌ها و فرق شیعی منطقه از جمله بحرین، عراق و حزب‌الله لبنان است.

- زرقلانی و احمدی (۱۳۹۶): در پژوهشی تحت عنوان «شیعه هراسی به مثابه قلمروسازی گفتمانی محور غربی-عربی در بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه» به این نتیجه دست یافته‌اند که قدرت‌یابی شیعیان و محور مقاومت، محور غربی-عربی را به شدت متأثر و با چالش مواجه کرده است و از آنجا که توسل به جنگ سخت دارای آثار و پیامدهای سنگینی است؛ محور نام‌برده تصمیم به تولید گفتمان‌هایی نظیر شیعه هراسی در قالب جنگ نرم و اعمال قدرت نرم برای تضعیف جایگاه ژئوپلیتیک محور مقاومت گرفته است.

- قاسمی (۱۳۹۶): در پژوهشی با عنوان «تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب» به این نتایج دست یافته که جمهوری اسلامی ایران در قالب گفتمان انقلابی خود و در عرصه عملی با مقابله با گروه‌های تکفیری و هابیت، القاعده و داعش نقش فعالی در مقابله با فشارهای ناشی از محیط خارجی بین‌المللی یعنی غرب و آمریکا و محیط خارجی منطقه‌ای یعنی برخی کشورهای اقتدارگرای عربی و رژیم صهیونیستی داشته است.

- قاسمی (۱۳۹۷): در پژوهشی تحت عنوان «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی» به این نتایج دست یافته که وقوع انقلاب اسلامی بیشترین تأثیر را بر گسترش و قوت محور مقاومت به جا گذاشته است و کامیابی محور مقاومت در ترسیم آینده غرب آسیا و ایجاد امنیت در منطقه و دوام امنیت پایدار انقلاب اسلامی در گرو تقویت ژئوپلیتیک محور مقاومت است.



جهانگیری و اطهری (۱۳۹۷): در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)» به این نتیجه رسیده‌اند که روند تحولات ژئوپلیتیک ایران بسیار سریع و در دهه‌های اخیر متأثر از روند تغییر و تحولات درونی جامعه ایران و پتانسیل قدرت زایی درونی بوده است و عوامل خارجی و بین‌المللی نقش ثانویه را در این روند داشته‌اند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر کاربردی- توسعه‌ای است که با استفاده از روش موردی زمینه‌ای، «تأثیر مجاهدت شهید حاج قاسم سلیمانی بر گسترش ژئوپلیتیک محور مقاومت» را به عنوان هدف اصلی تبیین نموده است. گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای بوده و از طریق منابع مختلف علمی از جمله کتب، مقالات، مجلات و غیره فیش برداری شده است.

یافته‌های پژوهش

حاج قاسم سلیمانی و ژئوپلیتیک محور مقاومت

مقاومت ژئوپلیتیک اسلام از اواخر قرن بیستم به بعد مربوط به پیروزی انقلاب اسلامی ایران است. توضیح اینکه در دوران حکومت پهلوی، استعمارگران با اقدامات مختلفی در صدد اضمحلال و تخریب پایه‌های فرهنگ اسلامی ایرانیان برآمدند و شوک و ضربه شدیدی بر هویت اسلامی ایرانیان وارد نمودند که در واکنش به این وضعیت، انقلاب اسلامی رخ داد. با پیروزی انقلاب ایران، در سراسر جهان اسلام، از یوگسلاوی و مراکش در غرب گرفته تا اندونزی و فیلیپین در شرق، یک جنبش مردمی نضج گرفت. این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های مختلف در حرکت‌های مردمی در عراق، تسخیر مسجدالحرام در مکه در سال ۵۸، جهاد مسلمانان در افغانستان اشغال شده توسط شوروی، ترور انور سادات در مصر و مقاومت شدید در لبنان، بروز ناآرامی در کویت، بحرین، قیام مردم در الجزایر، مصر، تونس، مراکش و قیام اسلامی فلسطین تجلی یافت. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یک افسون و جذبه اسلامی را در مردم ایجاد کرد. از آن پس، مردمی که از عظمت قدرت خود بی اطلاع بودند، با برداشتی نوین از اسلام به حرکت درآمدند. این حرکت، نه فقط شیعیان، بلکه طرفداران اهل سنت را نیز در بر می‌گرفت؛ چرا که پیام امام، پیام وحدت مسلمانان و یک پیام فراگیر و جهانی بود. هدف اهتزاز «پرچم لا اله الا الله» در سراسر جهان، نفی تمامی قدرت‌ها و تکیه بر قدرت لایزال الهی و توده‌های مردم بود. بنابراین، پیروزی انقلاب اسلامی ایران نه تنها به احیای عظمت و قدرت ژئوپلیتیک شیعه انجامید، بلکه کل ژئوپلیتیک اسلام را دچار تحول و بیداری نمود. در واقع، اسلامی بودن انقلاب ایران، این ویژگی و امتیاز خاص را به آن داد که دارای جنبه جهان شمولی باشد و تمام جهانیان را مورد خطاب پیغام خود قرار دهد. انقلاب اسلامی ایران در بعد جهان شمولی‌اش مانند انقلاب صدر اسلام از یک سو تمام جهانیان را در تمام زمان‌ها و دوره‌ها مخاطب قرار داده و از سوی دیگر بر فطرت الهی انسان‌ها تأکید نموده است (قاسمی، ۱۳۹۷: ۱۵).

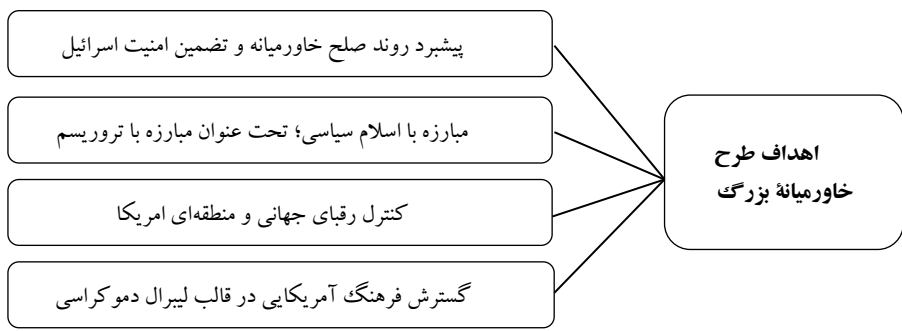
علاوه بر این مذهب شیعه نیز به دلیل ماهیت اعتراضی، اجتهادی و انقلابی خود و مفاهیمی چون مهدویت و عاشورا همواره نسبت به ولایت ظالمان و سلطه و اقتدار سیاسی نامشروع، موضع رد و نفی داشته است. قیام امام حسین (ع) و مکتب عاشورا یکی از مظاهر اعتراضی و انقلابی تشیع است. وجوه تشابه انقلاب اسلامی و نهضت عاشورا در مبانی ایدئولوژیکشان است. مفاهیمی چون ایثار و فداکاری، شهادت، نجات دین خدا، مبارزه با فساد و ظلم‌ستیزی برگرفته از مکتب عاشورا هستند. حرکت اعتراضی امام حسین (ع) علیه حکومت یزید و مقاومت تا سر حد مرگ و فدا کردن دارایی‌ها و خویشاوندان، دستمایه‌ای غنی برای ادبیات انقلاب اسلامی فراهم ساخت. از این رو نهضت عاشورا معیار، الگو



و یکی از ریشه‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌آید. همچنین موضوعاتی چون نابودی ستم، شرک و آزادی مستضعفان و پایان دادن به حاکمیت مستکبران و ستمگران نیز برگرفته از اعتقاد به مهدویت است. از نظر شیعه، ظهور و قیام حضرت مهدی (عج) عظیم‌ترین و بی‌سابقه‌ترین انقلاب تاریخ است که تحولات اساسی و همه‌جانبه‌ای را در عرصه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جهان به همراه خواهد داشت (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۱: ۸).

عوامل گفته شده در کنار موقعیت ژئوپلیتیکی ایران، در ساختار فضائی ژئوپلیتیک جهانی همراه با دارا بودن کدهای ژئوپلیتیک مؤثر و خیلی قوی در داخل کشورهای همسایه و منطقه خاورمیانه، به گونه‌ای است که قدرت‌های جهانی و نیز برخی از کشورهای هم منطقه با ایران را نسبت به تغییر وزن ژئوپلیتیکی و تحولات داخلی و خارجی خود بسیار حساس کرده است (جهانگیری و اطهری، ۱۳۹۷: ۵۶). همین امر سبب گردید ایالات متحده نیز مجبور شود برای جلوگیری از نفوذ و قدرت بیش از پیش انقلاب اسلامی، در مسائل منطقه (ژئواستراتژیک‌ترین منطقه جهان) درگیر شود. از این‌رو، مسلمانان ایران از سوی آمریکا به عنوان سرکش، یاغی و برخی حکام اعراب به دلیل چرخش به سمت غرب و سازش با اسرائیل، مسلمان خوب دانسته شدند؛ زیرا اسلام سیاسی تحت تأثیر انقلاب اسلامی، هژمونی آمریکا، موجودیت اسرائیل و بقای رژیم‌های محافظه کار منطقه را به مبارزه طلبید و به معضل امنیتی برای غرب، رژیم‌های عربی و اسرائیل تبدیل شد (داوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۸). لذا این مسأله سبب شده یکی از راهبردهای مهم نظام سلطه به رهبری ایالات متحده آمریکا برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت ابداع و به کارگیری اصطلاح «خاورمیانه بزرگ» باشد. نمودار شماره ۱ اهداف راهبرد خاورمیانه را نشان می‌دهد.

در مقابل اهداف ژئوپلیتیک محور غربی-عبری-عربی جمهوری اسلامی ایران با ترسیم نظریه مقاومت اسلامی، روش و نوع برخورد با قدرت نظام سلطه را مشخص کرده است. حمایت مادی و معنوی از جنبش‌های اسلامی مقاومت، برخورد و مبارزه با افراط‌گرایی اسلامی و نهادینه کردن مناسبات قدرت کشورهای مقاومت از روش‌هایی است که به واسطه نظریه اسلامی مقاومت ارائه شده است؛ بنابراین، شناخت از روابط قدرت در نظام سلطه به انضمام به کارگیری روش‌های مشروع و مقبول برای بازیگران خارج از این نظام، زمینه‌هایی را فراهم آورده تا هندسه قدرت در منطقه غرب آسیا بعد از انقلاب ۱۳۵۷، متحول شود (داوند و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۶). نمودار شماره ۲ تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر هندسه قدرت محور مقاومت اسلامی در منطقه غرب آسیا را نشان می‌دهد.



نمودار ۱. اهداف کلان آمریکا از طرح خاورمیانه بزرگ



نمودار ۲. تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر هندسه قدرت محور مقاومت اسلامی

بدون شک یکی از برجسته ترین شخصیت های انقلاب اسلامی برای پیشبرد نظریه مقاومت در خاورمیانه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است؛ چرا که تمام جهانیان، جبهه مقاومت در خاورمیانه را با نام حاج قاسم سلیمانی سردار سرافراز ایران اسلامی و فرمانده فراتر از مرزها می شناسند، فرماندهی که چهار دهه از عمر خود را وقف دفاع از راه و روشی کرد که اندیشه ای جز رهایی مظلوم از چنگال ظالم نداشت.

به طور کلی خدمات این سردار شهید را می توان به ۲ دوره قبل از سپاه قدس و بعد از آن تقسیم کرد. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سن ۲۶ سالگی (۱۳۶۱) فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله کرمان را بر عهده گرفت و جانفشانی های مختلفی را در دوران جنگ تحمیلی انجام داد و در نهایت ۱۵ سال بعد در سال ۱۳۷۶ و در ۴۱ سالگی با اعتماد رهبر معظم انقلاب اسلامی به فرماندهی سپاه قدس منصوب گردید. این سال ها که همزمان با اوج گیری فعالیت گروه تروریستی طالبان در کشور افغانستان بود و در این دوران خدمات قابل توجهی در مقابله با این گروهک در نقطه مرزی کشور و همچنین حضور در جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی با حزب الله لبنان باعث شد وی از تجارب ارزنده در راستای اعتلای فرهنگ مقاومت و گسترش عمق مرزهای استراتژیک ایران بدست بیاورد.

از این رو شهید سلیمانی فرماندهی بود که اصلی ترین دلیل شهرتش ایجاد امنیت در خاورمیانه به خصوص کشورهای محور مقاومت است که اوج آن در سال ۱۳۹۲ همزمان با فعالیت گروه تروریستی و تکفیری داعش در کشور عراق و سوریه بود که بنا به درخواست عاجل این دو کشور از جمهوری اسلامی، حاج قاسم مأموریت یافت تا ریشه این گروه تروریستی که از سوی استکبار و آمریکا حمایت می شد را بخشکاند.



به طور کلی می‌توان اهم مجاهدت‌های سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را در قالب محورهای زیر بررسی نمود:

حاج قاسم سلیمانی و مسأله فلسطین

یکی از بحران‌های منطقه غرب آسیا بی‌شک بحران فلسطین است. بحرانی که از پایان جنگ جهانی اول و صدور اعلامیه بالفور به نوعی آغاز گردیده و تأسیس رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ بر شدت آن افزود؛ بحرانی که به رغم گذشت چندین دهه همچنان لاینحل مانده است. امروزه اهمیت مسأله فلسطین به حدی است که دولت‌ها و جنبش‌های سیاسی موجود نه تنها در کشورهای عربی که در کشورهای مسلمان غیر عرب نیز نمی‌توانند نسبت به آن بی‌تفاوت باشند. محور مقاومت نیز چنانچه از نامش پیدا است راه‌حل مسأله فلسطین را مقاومت در برابر اشغالگران دانسته و معتقد است تنها راه حل عادلانه برای حل و فصل این بحران مقاومت مردمی و برگزاری همه‌پرسی از صاحبان اصلی سرزمین فلسطین می‌باشد (قاسمی، ۱۳۹۶: ۱۶۴).

نوع نگاه جمهوری اسلامی ایران به اسرائیل تلقی از این رژیم سیاسی به عنوان واحد نامشروع، موضوع خاص و منحصر به فرد است. از دید جمهوری اسلامی اسرائیل غاصبی است که حق و سرزمین فلسطینیان را غصب کرده است، بر مسلمانان فلسطینی ظلم می‌کند و حقوق آنان را به بیگانگانی می‌داد که از سایر نقاط جهان به فلسطین آمده بودند (شیرزاده و مصباح، ۱۳۹۰: ۲۵۰-۲۶۰).

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در مسأله فلسطین و قدس دارای نقشی محوری بود. فلسطین در نزد شهید حاج قاسم سلیمانی از جایگاه بالایی برخوردار بود. این شهید بزرگوار مسأله فلسطین را نه تنها یک موضوع سیاسی و یا امنیتی می‌دانستند بلکه مهم‌تر از آن نگاهش به فلسطین عبادی بود (ناصر ابوشریف نماینده جنبش جهاد اسلامی فلسطین، خبرگزاری فرهنگ و هنر، ۱۳۹۸/۱۰/۲۹).

این شهید بزرگوار شعار راهبردی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) یعنی مبارزه به جای مذاکره را در میدان عملیاتی کرد. اسرائیل قصد داشت جهان اسلام را بگیرد اما در سال ۲۰۰۰ میلادی برای اولین بار اسرائیل مجبور به ترک لبنان شد و بر خلاف باور عمومی مبنی بر عقب‌نشینی اسرائیل از لبنان بود. شکست اسرائیل در لبنان با حمایت سردار سلیمانی روی داد. همین امر موجب شد تا بخش عمده‌ای به این باور برسند که ارتش شکست‌ناپذیر اسرائیل را شکست پذیر کردند. سردار سلیمانی با قرار گرفتن در کنار سید حسن نصرالله، این باور شکست‌ناپذیری اسرائیل را بر خلاف همه تئورسین‌های نظامی در میدان و زمین محقق کرد و این حادثه بزرگی بود که اولین و بزرگ‌ترین طعم تلخ شکست را اسرائیل پذیرفت. این موضوع موجب شد حتی آرمانشان هم پاشید؛ چرا که آن‌ها می‌گفتند بر اساس وعده‌های الهی ملت برتریم و زمین ما مقدس است و هر جا را که بگیریم بر تقدس آن اضافه می‌شود. اسرائیلی‌های بار جبران شکست لبنان در پی اشغال دوباره غزه برآمدند و آرمانشان را در غزه دنبال کردند، اما در جنگ ۲۲ روزه برای اولین بار و در کوچک‌ترین میدان و جمعیت نامحدود شکست را پذیرفتند و دومین شکست جنگ را در جغرافیایی که ادعا می‌کردند مال خودشان است هم اتفاق افتاد؛ و این فرماندهی شهید سلیمانی بود که به صورت بی‌بدیل در مقاومت فلسطین شکل گرفت و در اسرائیل در اراضی تحت اشغال خودش شکست خورد و به تقویت هرچه بیشتر ژئوپلیتیک محور مقاومت منجر شد («حسین اکبری» رئیس مرکز مطالعات و پژوهش‌های مجمع جهانی بیداری اسلامی، خبرگزاری بین‌المللی قدس، ۱۳۹۹/۲/۲۷).

روزی که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در سال ۱۳۷۶ مسئولیت فرماندهی نیروی قدس سپاه را بر عهده گرفت صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها و اذنانب منطقه‌ای آن‌ها، گمان نمی‌کردند که ایشان بتواند تمام ظرفیت‌های منطقه را گرد هم جمع کند و به آن‌ها روحیه و آموزش بدهد و جبهه‌ای گسترده در سطح منطقه غرب آسیا با عنوان «جبهه مقاومت»



را ایجاد کند. جبهه‌ای که تمام نقشه‌های دشمنان را نقش بر آب و روحیه خودباوری و عزت نفس و ایستادگی را در دل ملت‌های منطقه ایجاد کند. شکست رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه با لبنان و همچنین چندین مرتبه شکست خفت بار در جنگ با مردم نوار غزه طی سالیان گذشته، تمام معادلات صهیونیست‌ها برای تحقق رویای خاورمیانه بزرگ آن‌ها را به هم ریخت.

حمایت از «انتفاضه فلسطین» و «مقابله با اشغالگری رژیم صهیونیستی» در اندیشه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی از جایگاه بسیار والایی قرار برخوردار بود. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی چند ماه قبل از شهادت خود این جملات را در خصوص فلسطین بیان فرمودند: رحمت و رضوان الهی بر ملت شجاع فلسطین که به واسطه زخم‌های بسیار و محاصره ظالمانه و هجوم و حشیانه دشمنان آن هم در مقابل چشمان صدها میلیون مسلمان، غمی عمیق و دردی فروخورده در سینه دارد. سلام بر هنیئه مبارز و مقاوم و بر یاران باوفایش که از بلندای عزت در غزه، با ایمان و دیدگانی چشم دوخته به طلوع صبح پیروزی، فریاد ایستادگی و حی علی‌الجهاد سر می‌دهند. به همه اطمینان دهید که ایران اسلامی، هر میزان هم که فشارها افزایش یابد و محاصره‌اش تنگ‌تر شود، فلسطین این نگین جهان اسلام و قبله اول مسلمانان و محل معراج رسول خدا (ص) را تنها نخواهد گذاشت. هرگز در ازای زرق و برق و لاشه این دنیا، از این واجب دینی یعنی «حمایت از فلسطین» دست نخواهیم کشید. دفاع از فلسطین مصداق واقعی دفاع از اسلام و قرآن است و هر کس ندای شما را بشنود و به یاری شما نشتابد مسلمان نیست (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۹/۲/۳۱).

آمریکایی‌ها در مورد فلسطین طرحشان و نقشه‌شان این بود که قضیه فلسطین را به فراموشی بسپارند؛ فلسطینی‌ها را در حالت ضعف نگه دارند که جرأت نکنند دم از مبارزه بزنند. این مرد، دست فلسطینی‌ها را پُر کرد؛ کاری کرد که یک منطقه کوچکی، یک وجب جا مثل نوار غزه در مقابل رژیم صهیونیستی با آن همه ادعا می‌ایستد، کاری و بلایی سر آن‌ها می‌آورد که آن‌ها سر ۴۸ ساعت می‌گویند آقا بیاید آتش بس بدهید؛ این‌ها را حاج قاسم سلیمانی کرد. دستشان را پُر کرد، کاری کرد که بتوانند بایستند، بتوانند مقاومت کنند. این چیزی است که برادران فلسطینی ما مکرر در مکرر پیش خود بنده گفته‌اند. البته من می‌دانستم، اما آن‌ها هم آمدند پیش ما شهادت دادند. در سفرهای متعددی که این رهبران فلسطینی آمدند، همه آن‌ها این را [گفتند] (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی، صفحه مجازی تاریخ ایران و جهان منتسب به دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

به عبارت دقیق‌تر می‌توان گفت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی شریک مبارزات مردم فلسطین است، در واقع شهید سلیمانی در مسأله فلسطین اهداف سیاسی راهبردی داشت و هرچه در اختیار داشت تقدیم ملت فلسطین کرد. راهکار اساسی ایشان در زمینه نظامی توسعه توانمندی موشکی جبهه مقاومت بود. چه در زمینه میزان راهبرد و طول مسافت، چه در زمینه دقیق بودن مکان اصابت و چه در زمینه تکنولوژی. ایشان همیشه اعتقاد داشتند که آنچه در اختیار دارد به برادران خویش منتقل نماید. در همین راه ایشان مردان مبارز جدی و خلاق را در مقاومت فلسطینی یافتند و این تکنولوژی را به آنان منتقل کردند. در عین حال مردان مقاومت به رغم نداشتن امکانات مادی توانستند خود را متحول کنند و این تجربه را به فلسطین انتقال دهند. شهید سلیمانی وقتی چنین انسان‌های آماده، جدی و با استعداد را برای آزادی فلسطین یافتند، هرچه امکانات در اختیار داشتند تحویل آنان دادند. نه فقط برای آزادی نوار غزه و کرانه باختری رود اردن، بلکه انسان‌هایی را یافتند که برای آزادی سرتاسر فلسطین آمادگی دارند. به طور تأکید همه افکار و اندیشه‌های تحول کیفی که صهیونیست‌ها را مرعوب کرده بود، به خصوص قدرت موشکی است که شهید سلیمانی در اختیار رزمندگان فلسطینی قرار داده است. لذا به معنی واقعی کلمه ایشان شریک واقعی مردم مبارز فلسطین است؛ تا جایی که یکی از رهبران جنبش حماس پس از ترور ناجوانمردانه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی گفته بود که ما اکنون مرحله دفاعی را پشت سر



گذاشته‌ایم و وارد مرحله هجوم شده‌ایم. یعنی اگر اسرائیل بخواهد با عملیات نظامی به فلسطینی‌ها حمله کند، ابتکار عمل را به دست خواهند گفت و ناچارند به سوی سرزمین‌های اشغالی ورود پیدا کنند و با دشمن بجنگند (خالد القدومی، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۹/۲/۳۰).

از این رو می‌توان سردار شهید حاج قاسم سلیمانی را «شهید قدس» هم نامید (اسماعیل هنیه، سخنرانی مراسم تشییع باشکوه سردار شهید سلیمانی در نماز جمعه تهران، ۱۳۹۸)؛ چرا که در حقیقت ایشان ابداع‌کننده یک حرکت راهبردی در مقابل رژیم صهیونیستی بود که آن‌ها را از هجوم به دفاع وادار کرده و حتی در مرحله دفاع نیز آن‌ها به مرحله شکست رسیده‌اند.

حاج قاسم سلیمانی و مسئله لبنان

لبنان در ضلع شرقی مدیترانه، کشور پیچیده‌ای است که اقوام، طوایف و گرایش‌های دینی گوناگونی را در خود جای داده است و با وجود آنکه در زمره واحدهای مستقل سیاسی جهان عرب به شمار می‌آید، موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک این کشور آن را در کانون توجه کشورهای خاورمیانه و غرب قرار داده است؛ چنانکه ایجاد تنش در آن، به ویژه در مرز مشترک هفتاد مایلی آن با سرزمین اشغالی، موجب می‌گردد موجودیت اشغالگر همواره به کشورهای منطقه یادآوری گردد. در حال حاضر نیز، هر جا سخنی از انقلاب اسلامی در فراسوی مرزها و در جهان اسلام به میان می‌آید، اذهان متوجه لبنان و در کانون آن «حزب الله» می‌شود. سیاسی-تشکیلاتی شدن شیعیان لبنان در قالب جنبش «حزب الله» و نقش آفرینی چشم‌گیر آن در صحنه داخلی لبنان، در کل منطقه، به ویژه در ارتباط با معادله قدرت اسرائیل، به طور قطع بازتاب انقلاب اسلامی تلقی می‌شود. از این رو روند تحولات لبنان، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به گونه‌ای رقم خورد که از لبنان به عنوان نگین سیاست خارجی ایران یاد می‌شود (پیشگاهی فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸).

بحران و جنگ‌های داخلی لبنان با حمله نیروهای شبه نظامی فالانژ علیه فلسطینی‌ها در آوریل ۱۹۷۵ م آغاز شد و لبنان را برای مدت بیش از ۱۵ سال در کام جنگ‌ها و درگیری‌های داخلی بسیاری فرو برد، سپس آن کشور را به صحنه رقابت قدرت‌های بزرگ و کشورهای دارای نفوذ منطقه تبدیل کرد (سلطانی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۷). پس از تهاجم صهیونیست‌ها به لبنان ۱۹۸۲ م که منجر به خالی شدن صحنه جنوب لبنان از مقاومت فلسطین شده بود و همچنین به دلیل گرایش جنبش امل از نظامی‌گری به مسائل سیاسی، صحنه مبارزه با صهیونیست‌ها خالی مانده و هیچ گروهی انگیزه کافی جهت مبارزه را نداشت. در چنین شرایط سختی، تنها عاملی که می‌توانست این ضعف و ناامیدی را از مردم لبنان به ویژه شیعیان جنوب و بیروت بزدايد، بروز یک اعتقاد عمیق مذهبی و توجه به خدا بود که به طور قطع می‌بایست از یک نفس پاک و قابل اعتماد سرچشمه می‌گرفت. انگیزه اساسی این اعتقاد در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) به وجود آمده بود و فقط نیاز به اجابت داشت تا بتواند در بین شیعیان محروم لبنان شعله اعتقادی و عاشورایی را زنده کند (معصومی، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

به طور کلی در لبنان، به سبب وجود تعداد زیاد شیعیان، تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی بسیار بوده و در میان گروه‌های اسلامی، می‌توان از جنبش «امل» به رهبری امام موسی صدر و در حال حاضر، نیبه‌بری؛ «جنبش امل اسلامی» به رهبری سید حسین موسوی؛ و مهم‌تر از همه، «جنبش مقاومت حزب الله» به رهبری سید حسن نصرالله نام برد. «حزب الله» یک سپر دفاعی خارج از مرزهای ملی برای جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود. حضور حزب الله و دیگر گروه‌های شیعی توان ایران و محور مقاومت را در پیشبرد اهداف منطقه‌ای و بین‌المللی افزایش می‌دهد و به تقویت هم‌پیمانان منطقه‌ای همچون سوریه می‌انجامد. به ویژه با تثبیت «حزب الله» در عرصه سیاسی لبنان با حفظ ابزار مقاومت، عرصه بازیگری و تأثیرگذاری ایران افزایش پیدا کرده و از این منظر، موجب تقویت ژئوپلیتیک ایران و محور مقاومت شده است. از طرف



دیگر لبنان نه تنها عرصه حضور انقلاب اسلامی در کل جهان عرب است، بلکه مهم ترین عامل برای اثرگذاری بر مسئله فلسطین نیز هست (پیشگامی فرد و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹).

سردار شهید حاج قاسم سلیمانی نقش بسیار مهمی در فعالیت‌های مقاومت اسلامی در سال‌های پیش از آزادسازی جنوب لبنان و سپس جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ داشت. یکی از دلایل کمیت کمی و نوعی در فعالیت مقاومت در اواخر دهه نود که به پیروزی سال ۲۰۰۰ حزب الله لبنان در برابر رژیم صهیونیستی انجامید، اقدام و اهتمام سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود. ایشان شریک کامل در آزادسازی لبنان در سال ۲۰۰۰ بود. پس از سال ۲۰۰۰ مقاومت به نیرویی که توان و قدرت بازدارندگی برای قطع دست دشمن اسرائیل از لبنان را داشت تبدیل شد و تحول مقاومت و ورود موشک‌های جدید شروع شد و در این راه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی یاری‌گر و همراه حزب الله لبنان بود. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در جنگ ۳۳ روزه در تهران بود و به سوریه رفت و خواست که به بیروت به شکلی بیاید تا در کنار حزب الله باشد و با آن‌ها زیر بمباران ماند. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در طول ایام جنگ ۳۳ روزه در بیروت ماند و به سید حسن نصرالله می‌گفت یا با شما به شهادت می‌روم یا با شما می‌مانم و تا ۱۴ آگوست (پایان جنگ ۳۳ روزه) در تمام ۳۳ روز در منطقه برای پشتیبانی از حزب الله در زیر آتش موشک‌های صهیونیستی ماند (سید حسن نصرالله، خبرگزاری بین‌المللی قدس، ۱۳۹۸/۱۰/۲۳). اسرائیل پس از حدود پنج هفته تلاش عاجزانه، که با پشتیبانی مستقیم آمریکا و اتحادیه اروپا علیه حزب الله و مردم لبنان انجام شد، در مقابل کمک الهی و طرح‌های غافلگیرانه فرماندهان ایرانی و لبنانی (مخصوصاً سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و شهید عماد مغنیه) ناگزیر به پذیرش آتش بس شد (خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۸/۱۰/۲۸).

همان‌طور که «کانزلا رایس» وزیر خارجه سابق آمریکا گفت، هدف از جنگ تموز (۳۳ روزه)، نابودی جبهه مقاومت در لبنان و به وجود آمدن خاورمیانه جدید بود. منطقه‌ای که در آن حزب الله وجود نداشته باشد تا بتواند با رژیم صهیونیستی مبارزه کند. به همین دلیل پیروزی حزب الله دستاورد تاریخی بزرگی بود؛ زیرا تغییر استراتژی در عقیده نظامیان رژیم صهیونیستی به وجود آورد و برنامه‌های آمریکا در آن زمان را نابود کرد (عترسی، خبرگزاری رسا، ۱۳۹۹/۴/۲۲).

در این پیروزی نقش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بسیار پررنگ است. حاج قاسم سلیمانی نگاه برادرانه به جهادگران لبنانی داشت و همین نگاه سبب شکل‌گیری رابطه برادرانه میان فرمانده فقید نیروی قدس و رزمندگان مقاومت شد. چنین روابطی به یکپارچه کردن ایده‌ها و چشم‌اندازها و همکاری و عبور از مشکلات یا اختلافات احتمالی در برخی جزئیات خیلی کمک می‌کرد. در واقع این الگوی رفتاری سردار شهید حاج قاسم سلیمانی ثابت کرد که منطق جمهوری اسلامی ایران درباره برادری میان کشورهای اسلامی یک شعار نیست بلکه قابلیت عملیاتی شدن دارد. از دیگر مشخصه‌های مهم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی حضور فعال ایشان در میادین جنگ بود. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی کمتر در تهران بود و حضور میدانی ایشان در میادین جنگ سبب ایجاد روابط شخصی و محبت آمیز شد و از علل موفقیت این شهید والامقام در گسترش ژئوپلیتیک محو مقاومت و به ویژه لبنان بود (سید حسن نصرالله، خبرگزاری بین‌المللی تصویری ایران پرس، ۱۳۹۸/۱۱/۲۵).

حاج قاسم سلیمانی و مسئله سوریه

سوریه به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی، به عنوان پلی برای دستیابی به مدیترانه مورد توجه ایران قرار گرفته است که این موضوع حفظ و بهبود رابطه با دولت سوریه را توجیه می‌نماید (نجات و جعفر ولدانی، ۱۳۹۲: ۱۷۲). همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق نیز به وضوح اهمیت ژئوپلیتیک و نقش راهبری این کشور را در



مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. به دلیل همین اهمیت و نقش استراتژیک، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌الملل، سوریه را «بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان» می‌نامند. سوریه عقبه مقاومت است و فروپاشی نظام سوریه یعنی قطع رابطه ایران با عقبه مقاومت در لبنان و فلسطین و نتیجه آن یعنی پیروزی آمریکا و اسرائیل بر تنها کشور عربی که همچنان به مقاومت معتقد است (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۹)

به عبارت دیگر؛ سوریه کشوری است که به لحاظ ژئوپلیتیکی برای ایران اهمیت بنیادی دارد و از دیر باز حتی در زمان انقلاب اسلامی ایران در کنار ایران بوده است؛ از این رو اتحاد ایران و سوریه هم به لحاظ استراتژیکی و هم به لحاظ ژئوپلیتیکی اهمیت بنیادی دارد. از آنجا که خاورمیانه همیشه محل تضاد منافع ابرقدرت‌ها بوده است. لذا در اینجا موقعیت راهبردی سوریه برای ایران حیاتی است. از طرف دیگر سوریه به همراه ایران محور مقاومت را تشکیل داده‌اند و از این رو روابط ایران با کشور سوریه سد نفوذ قدرتمندی برای دست‌اندازی‌های عربستان سعودی در منطقه از یک طرف و آمریکا و اسرائیل از طرف دیگر بوده است. بنابراین می‌توان اهمیت راهبردی سوریه برای ایران را در محورهای زیر برشمرد (قاسمیان و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۲۴ و ۲۲۵):

- ۱- قرار گرفتن سوریه در قسمت آسیای غربی و محل پیوند سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا؛
- ۲- دارای نقش راهبردی و ژئواستراتژیک در منطقه غرب آسیا؛
- ۳- همسایگی این کشور با اسرائیل، لبنان، ترکیه و عراق که این کشورها ارکان ژئوپلیتیک منطقه را تشکیل می‌دهند و از اهمیت زیادی برای مناسبات منطقه‌ای ایران برخوردارند؛
- ۴- تنها کشور عربی است که دارای مناسبات مستقل منطقه‌ای و بین‌المللی است و از این حیث می‌تواند سد نفوذ محکمی در برابر امپریالیسم باشد؛

- ۵- در بحث انرژی کشور سوریه موقعیت ویژه‌ای در انتقال نفت و گاز عراق و ایران به اروپا دارد؛
- ۶- تأثیرگذاری کشور سوریه در معادلات سیاسی لبنان؛
- ۷- نقش حمایتی کشور سوریه از حزب‌الله لبنان در برابر تعرض‌های اسرائیل به جنوب لبنان؛
- ۸- قرار گرفتن سوریه در همسایگی اسرائیل که می‌تواند موقعیت راهبردی مناسبی را برای ایران ایجاد کند. با توجه به آنچه گفته شد؛ اهمیت ژئوپلیتیکی، ژئواستراتژیکی و ژئواکونومیکی سوریه، این کشور را مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داده است. موقعیت استراتژیک سوریه از لحاظ پرستیژ در جبهه مقاومت، مسائل امنیت ملی، رقابت در قدرت منطقه‌ای و توسعه نفوذ در غرب آسیا مورد توجه قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بوده، به گونه‌ای که بحران سوریه در پی خیزش مردمی به میدان رقابت این کشورها تبدیل شده است. بحران سوریه و تبعات آن یکی از پیچیده‌ترین تحولات منطقه خاورمیانه در چند دهه گذشته است که کل منطقه و محیط پیرامون آن را تحت تأثیر قرار داده است (میرزایی و امیری، ۱۳۹۸: ۱۱۲).

آمریکا و متحدین استراتژیک آن در منطقه، از جمله رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی از سرنگونی دولت بشار اسد و در نتیجه قطع محور اتحاد ایران، سوریه و حزب‌الله لبنان حمایت می‌کنند، زیرا آن‌ها خواهان تغییر اتحادها و ائتلاف‌های استراتژیک در منطقه به ضرر جمهوری اسلامی ایران هستند. لذا از ابتدای شکل‌گیری بحران سیاسی در سوریه، جمهوری اسلامی ایران ضمن حمایت از خواسته‌های مردم، تأکید بر انجام اصلاحات، لزوم حفظ حاکمیت ملی در سوریه و برقراری گفت‌وگوهای سوری - سوری، حمایت همه‌جانبه خود را از نظام سوریه به صورت رسمی اعلام کرده است (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶) و در طی بحران سوریه هیچ‌گاه از راه‌حل‌های نظامی و دخالت سایر کشورها اعم از منطقه‌ای و غربی، جهت حل و فصل بحران این کشور حمایت ننموده است (مرادی و شهرام‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۳۲ و نجات، ۱۳۹۳: ۶۴۱).



بنابراین جمهوری اسلامی ایران یکی از بازیگران مهم حاضر در بحران سوریه و قدرتمندترین پشتیبان منطقه‌ای سوریه به شمار می‌رود (روستایی، ۱۳۹۶: ۷۴). از منظر جمهوری اسلامی ایران، غرب یک نیروی اشغالگر و توطئه‌گر است که مهم‌ترین راهبردش در برابر اسلام، مقابله با هویت‌یابی و بازاندیشی جهان اسلام است. امروزه این بازاندیشی به عنوان پارادایم مقاومت تعریف و شناخته می‌شود. پارادایم مقاومت در نقطه مقابل پارادایم اشغال و سلطه‌جویی قرار دارد و معتقد است که تغییرات در منطقه باید در چهارچوب مصالح و منافع درونی کشورهای اسلامی صورت پذیرد. بر همین اساس جمهوری اسلامی ایران از اصلاحات درونی سوریه دفاع می‌کند که نتیجه آن نقش‌آفرینی بیشتر مردم این کشور در عرصه سیاسی و اجتماعی و قدرت‌یابی بیشتر سوریه در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز افزایش قدرت دفاعی سوریه در برابر غرب و رژیم صهیونیستی و توسعه اقتدار امنیتی سوریه خواهد بود (میرزایی و امیری، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

از این رو با توجه به اینکه سوریه متحد راهبردی جمهوری اسلامی ایران و حلقه اساسی مقاومت اسلامی در منطقه است؛ و با علم به اینکه کشور سوریه تنها عمق راهبردی جمهوری اسلامی ایران محسوب نمی‌شود، بلکه نوع حکومت در دمشق، در معادلات آینده منطقه خاورمیانه و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران نیز نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (مسعودینا و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۲۶)؛ جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت در بحران سوریه به دنبال اهداف زیر بودند:

۱- جلوگیری از تغییر نظام سوریه؛ چرا که ایران و این کشور علیه آمریکا و اسرائیل اتحاد و منافع مشترک دارند؛
۲- پیروزی آمریکا در سوریه منافع ایران در منطقه به ویژه در فلسطین و لبنان را به خطر خواهد انداخت. در نتیجه تلاش جمهوری اسلامی برای شکست آمریکا در سوریه و حتی کشورهای دیگر منطقه مانند افغانستان و عراق منطقی به نظر می‌رسد؛

۳- اتحاد ایران و سوریه و ارتباط با روسیه موازنه‌ای منطقی در منطقه ایجاد خواهد کرد که از زیاده‌روی‌های آمریکا و حملات دیگر آنان جلوگیری خواهد کرد.

۴- عدم تثبیت وضعیت سوریه، احتمالاً بحران قومی را در منطقه افزایش خواهد داد و منافع کشور ایران نیز به نوعی در تضاد با بحران‌های مذهبی و قومی است.

در سال ۱۹۹۸ حاج قاسم سلیمانی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی شد و این نیرو متشکل از جهادی‌ها است و در تمام منطقه از فلسطین گرفته تا لبنان، عراق، پاکستان، افغانستان و سوریه حضور دارند و ایشان امور آموزش و آمادگی آن‌ها در تمام منطقه را بر عهده داشت. بنابراین زمانی که جنگ سوریه در سال ۲۰۱۱ آغاز شد طبیعی بود که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی این پرونده را به صورت مستقیم بر عهده بگیرد و هدف ایشان این بود که اولاً سوریه را از این جنگ نجات دهد، ثانیاً با داعش و جریان‌های تکفیری مقابله کند و ثالثاً از نیروهای عراقی و افغانی و پاکستانی و ایرانی و همچنین نیروهای حزب الله که در کنار سوریه ایستادند، حمایت کند. بنابراین حاج قاسم سلیمانی فرمانده واقعی تمام نیروها در داخل سوریه به جز ارتش سوریه برای مقابله با چالش‌ها و تحقق پیروزی‌ها بود که به فضل الهی داعش در این منطقه شکست خورد و نظام سوریه نجات پیدا کرد (شیخ نعیم قاسم، خبرگزاری خبر آنلاین، ۱۳۹۹/۴/۱۷).

جنگ در سوریه و جبهه مقاومت به دلیل فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی تفاوت‌های ویژه‌ای با دیگر جنگ‌های جهان پیدا کرده بود. ۸ ویژگی فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در جنگ سوریه عبارتند از (سردار رحیم نوعی، خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۸/۷/۱۰):

۱- توکل به پروردگار متعال و توسل به اهل بیت علیهم السلام (حاج قاسم وقتی به درب حرم حضرت زینب (س)



می‌رسید، زانو به زمین می‌زد، آستان حرم را می‌بوسید و سپس وارد حرم می‌شد. این ویژگی از مشخصات ممتازی است که فرماندهان ارتش‌های دنیا ندارند؛

۲- دشمن‌شناسی عملیاتی است (سردار سلیمانی ادبیات و شیوه‌های دشمن را به دقت می‌شناخت)؛

۳- قبول خطر و برداشتن گام‌های بلند (با توجه به اینکه در جنگ سوریه، مسلحین با مردم ارتباط داشتند و به کارگیری تاکتیک غافلگیری اطلاعاتی در عملیات‌ها به خوبی جوابگو نبود، سردار سلیمانی عملیات‌هایی را طراحی می‌کرد که نیروهای خودی ضمن ناامن ساختن عقبه دشمن، می‌توانستند به عمق نیروهای دشمن نفوذ کنند. او در جنگ سوریه اگرچه از تجارب و درس‌های دفاع مقدس استفاده کرد، اما دفاع متفاوتی را به نمایش گذاشت که مبتنی بر همین ویژگی بود)؛

۴- فرماندهی در صحنه نبرد و یا به عبارت دیگر فرماندهی از نزدیک؛

۵- به کارگیری نیروهای متحد مقاومت (تمامی سلیقه‌ها، فرهنگ‌ها، ادبیات‌ها و حتی عقیده‌ها در بین نیروهای سردار سلیمانی حضور داشتند. در میان نیروهای تحت امر حاج قاسم شیعان، اهل تسنن، مسیحیان و... حضور داشتند)؛
۶- به نمایش گذاشتن شهامت، ایثار و از خودگذشتگی (سردار سلیمانی با این روحیه، رعب قدرت نیروهای خودی را دل دشمن می‌انداخت و نیروهای خودی را قوی‌دل و ایمانشان را مضاعف می‌کرد. رفتارهای سردار سلیمانی که تجلی ایثار، شهامت و شجاعت بود، دشمن را به وحشت می‌انداخت. در نتیجه این نمایش در بدنه نیروها در لحظه هجوم و مقاومت تسری پیدا می‌کرد. این ویژگی روحیه دشمن را به شدت تخریب می‌کرد و روحیه نیروهای خود را تقویت می‌کرد)؛

۷- فرماندهی بر قلب‌های نیروها (نه تنها ایرانی‌ها که ملت‌های مسلمان منطقه به شدت به سردار سلیمانی عشق می‌ورزند و او بر قلب‌ها فرماندهی می‌کند)؛

۸- استقامت در شرایط سخت (ایشان در سخت‌ترین شرایط بر خود و اطرافیانش مسلط می‌شد و فرماندهی مطمئن اعمال می‌کرد).

سردار سلیمانی از متنفذترین شخصیت‌های نظامی در خاورمیانه محسوب می‌شود و با تجربه کاری نزدیک به بیست ساله شبکه ارتباطی منسجمی با گروه‌ها و قبایل در عراق و سوریه برخوردار بود. بنابراین نقش ایشان در حل بحران سوریه تحسین برانگیز است تا جایی که مایکل ناپتر، کارشناس خلیج فارس در مؤسسه واشنگتن در خصوص ابعاد شخصیتی سردار سلیمانی می‌گوید: «قاسم سلیمانی یک چهره منحصر به فرد بود». «ما هیچ کس مانند او را در ایالات متحده آمریکا نداریم و از آن‌جا که او با تجربه، توانمند و کاملاً معتقد به رهبر جمهوری اسلامی ایران بود» قدرت رهبری و مدیریت نظامی فوق‌العاده‌ای در صحنه نظامی داشت (Turak, 2020: 1)؛ به نقل از: نواختی مقدم و بیری، ۱۳۹۸: ۳۶. همین ویژگی منحصر به فرد سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و قدرت ایشان در شبکه سازی نیروهای محلی و بومی بود که در پرتو آن محور مقاومت توانست زمینه را برای مقابله با گروه‌های تروریستی و اعاده حاکمیت دمشق بر بخش اعظمی از جغرافیای از دست رفته خود فراهم سازد.

از طرف دیگر؛ در آن برهه زمانی که گروه‌های معارض تروریستی در پرتو حمایت منطقه‌ای و بین‌المللی از این گروه‌ها و تزریق عناصر تروریستی از خارج به داخل سوریه قدرت گرفتند و موازنه نظامی در عرصه میدانی با توجه به حمایت و پشتیبانی غرب و حوزه عربی به نفع گروه‌های معارض بر هم خورد؛ و تا سال ۲۰۱۵ بیش از ۷۰ درصد جغرافیای سوریه در اختیار جریان‌های مخالف نظام حاکم قرار گرفت. جمهوری اسلامی ایران طی یک اقدام ابتکاری با مدیریت و محوریت شخص سردار شهید حاج قاسم سلیمانی وارد یک توافق نظامی-امنیتی با روس‌ها شد و در پی آن هر دو کشور یک ائتلاف نظامی با تقسیم وظایف معین و مشخص جهت مقابله با گروه‌های معارض و تروریستی در خاک



سوریه تشکیل دادند. این ائتلاف طی ماه‌های نخست موفق شد تغییرات چشمگیری را در عرصه معادلات نظامی-امنیتی سوریه ایجاد کند و به مرور زمان صحنه معادله را به نفع نظام حاکم تغییر کرد و زمینه را برای استمرار و تداوم این ائتلاف در عرصه‌های غیر نظامی در پرتو پیروزی‌های بزرگ میدانی همچون آزادسازی حلب و به تبع آن شکل‌گیری فرایند آستانه و جذب ترکیه به سمت این ائتلاف فراهم ساخت. نقش سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در راضی کردن روس‌ها برای ورود نظامی مستقیم به بحران سوریه از اهمیت و نقش بسزایی برخوردار می‌باشد؛ چرا که تا پیش از آن، روس‌ها تمایل چندانی برای ورود نظامی مستقیم به پرونده سوریه نداشتند و در پرتو مذاکرات سردار شهید حاج قاسم سلیمانی با شخص پوتین توافق دو جانبه میان دو کشور جهت انجام مأموریت نظامی مشترک بر اساس الگوی تقسیم وظیفه تحقق یافت؛ به گونه‌ای که بعد از آن روس‌ها در عرصه هوایی و جمهوری اسلامی ایران به همراه ارتش سوریه و گروه‌های مقاومت در عرصه زمینی به ایفای نقش پرداختند.

به طور کلی دستاوردهای سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در مسأله سوریه بسیار گسترده است؛ مهم‌ترین این اقدامات که از آن می‌توان به عنوان بخشی از میراث ایشان در سوریه نام برد، به شرح زیر می‌باشد (خبرگزاری تحولات جهان اسلام، ۱۳۹۸/۱۰/۲۶):

۱- عینیت بخشی به راهبرد حفظ و بقای نظام سوریه و شخص بشار اسد؛

۲- شکل‌گیری ائتلاف و شراکت راهبردی میان ایران و روسیه در عرصه نظامی-امنیتی؛

۳- شبکه‌سازی نیروهای محلی و بومی (زینیون، فاطمیون، حیدریون، دفاع وطنی)؛

۴- مهار تروریسم؛

۵- تشدید تنگنای امنیتی و ژئوپلیتیک برای رژیم اسرائیل

۶- بازگشایی گذرگاه راهبردی و استراتژیک بوکمال-قائم

بنابراین می‌توان گفت نقش و حضور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان معمار امنیت و ثبات منطقه موجب گردید آمریکا و رژیم صهیونیستی در مقابل نقشی که ایران با محوریت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در منطقه انجام داد، دچار استیصال شود؛ زیرا آن‌ها به دنبال این بودند که وضعیت سوریه به گونه دیگری رقم بخورد، اما نقش آفرینی فعال ایران و شخص سردار شهید حاج قاسم سلیمانی مانع این خواست آمریکا شد. جهاد سردار سلیمانی در قالب گروه‌های مقاومت با تروریسم در و پیروزی آن‌ها به معنای تقویت گروه‌های مقاومت بود. یکی از کارشناسان آمریکایی گفته بود طی تحولات سال ۲۰۱۱ تاکنون «محور مقاومت» تبدیل به «جریان مقاومت» و در نهایت تبدیل به «اتحاد مقاومت» شده است، که مدل حامی-نیابتی دارد. بنا بر نظر او در این مدل «حامی» ایران است و «نیابتی» هم گروه‌های نیابتی وابسته به جمهوری اسلامی ایران است و در شرایط فعلی تبدیل به یک اتحاد شده است. به طور کلی تضعیف گروه‌های تروریستی به معنای تضعیف بازیگرانی از جمله ایالات متحده آمریکا است که حامی آن‌ها بودند و در مقابل، موقعیت مقاومت تقویت شده و تبدیل به اتحاد مقاومت شده است. این چیزی نبود که آمریکایی‌ها بخواهند آن را بپذیرند؛ چرا که اتحاد مقاومت به معنای تضعیف اسرائیل است. اسرائیل نه تنها در داخل با بحران بی‌سابقه سیاسی مواجه است، بلکه به دلیل همان اتحاد مقاومت شاهد تهدید پذیری و آسیب‌پذیری آن هستیم. به همین دلیل دولت آمریکا به این جمع‌بندی رسیده بود برای اینکه مانع تضعیف بیش از اندازه اسرائیل شود، باید سردار قاسم سلیمانی را از میان بردارد و این کار را هم کرد (عمادی، خبرگزاری شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸).

حاج قاسم سلیمانی و مسأله عراق

در سال‌های اخیر ایجاد پیوندهای گسترده در جبهه مقاومت و اتصال ژئوپلیتیک از تهران تا بیروت و بغداد و



کد اختصاصی: ۷۱۸۹۳-۱-۹۹۲۰۱

دمشق را نیز در بر می‌گیرد، جایگاه استراتژیک جبهه مقاومت را بیش از پیش ارتقاء داد. در این شرایط، خطر ارتقاء جبهه مقاومت به رهبریت ایران به نقطه‌ای دست نیافتنی، به یک بحران جدی برای نظام سلطه تبدیل شده است. بر همین اساس، هنری کسینجر وزیر خارجه سابق آمریکا در مصاحبه‌ای، با اشاره به جایگاه تاریخی ایران و نفوذ این کشور در منطقه غرب آسیا، ایران را مستعدترین کشور منطقه برای ایجاد هژمونی و تشکیل یک امپراتوری قوی در غرب آسیا دانسته و تذکر داد که؛ در حال حاضر تهدید ایران بسیار مهم‌تر و بزرگ‌تر از داعش است. بر همین اساس بحران سازی داعش و دخالت غرب در عراق و سوریه، اساساً برای رفع تهدید ایران و تضعیف جبهه مقاومت بوده است. عراق علاوه بر اینکه با تهدید سرزمینی روبرو است، عملاً با تهدید تجزیه قومی فرقه‌ای در زمان‌های مختلف قرار گرفته است. آنچه این وضعیت را مشکل‌سازتر می‌کرد؛ تشکیل ائتلاف بین‌المللی برای مبارزه با داعش بود که به نظر می‌رسد؛ برای حضور مجدد آمریکا در عراق و دولت‌سازی جدید در بغداد بر اساس منافع نظام سلطه سامان یافته بود (دریکوند و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۸۹).

به طور کلی چالش‌های برخاسته از بحران عراق و امکان تجزیه آن می‌تواند شامل موارد زیر باشد (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۵۲-۱۵۵):

- ۱- تهدید تمامیت ارضی ایران (افزایش مطالبات تجزیه‌طلبانه برای الحاق به کشورهای تازه تأسیس)؛
 - ۲- ایجاد گسست در روابط شیعیان عراق و ایران (نارضایتی از عدم حمایت ایران از تمامیت ارضی عراق)؛
 - ۳- خزش اسرائیل در دولت‌های کوچک ناشی از تجزیه عراق (آسان‌سازی ایده از نیل تا فرات)؛
 - ۴- کامیابی طرح‌های مبتنی بر مداخلات خارجی تجزیه‌طلبانه (تسهیل راهبرد خاورمیانه بزرگ).
- ایران طی سال‌های اخیر در خاورمیانه، از لبنان و سوریه تا عراق و یمن، قدرت خود را اعمال کرده است. یکی از کلیدهای موفقیت این کشور، اتخاذ یک استراتژی منحصر به فرد مبنی بر تلفیق قدرت شبه‌نظامی و قدرت دولتی بوده است، استراتژی‌ای که تا اندازه‌ای با الهام از مدل حزب الله در لبنان تدوین شده است. همه اذعان دارند که معمار برجسته این سیاست، سرلشکر قاسم سلیمانی، فرمانده کهنه کار نیروی قدس [سپاه پاسداران] ایران است. بدون شک سلیمانی، امروزه قدرتمندترین ژنرال خاورمیانه است (Soufan, 2018).

سردار شهید سلیمانی نظریه پردازی بود که امنیت ایران را در گرو امنیت مرزهای بیرونی می‌دانست و معتقد بود امنیت کشوری تأمین نمی‌شود مگر اینکه کل منطقه در امنیت باشد. از همین رو سردار شهید حاج قاسم سلیمانی مهم‌ترین فرمانده مبارزه علیه داعش در عراق و سوریه بود. داعش گروهی سلفی بود که پس از سقوط صدام در عراق و خلاء قدرت در این منطقه، پدید آمد. ایران برای حفظ امنیت و کنترل منطقه، مبارزه با این گروه را آغاز کرد. در سال ۲۰۱۱ م نیروهای تحت فرمان سردار شهید سلیمانی از جمله لشکر فاطمیون و تیپ زینبیون جهت مبارزه با داعش و نیروهای شورشی راهی سوریه شدند. همچنین در سال ۲۰۱۴ م شهر موصل به تصرف داعش درآمد و بغداد، پایتخت عراق نیز تا مرز سقوط پیش رفت؛ حاج قاسم سلیمانی با سازماندهی بخشی از نیروهای حشدالشعبی نقش مؤثری در اخراج داعش از عراق داشت. حیدر العبادی نخست‌وزیر وقت عراق، از سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان یکی از اصلی‌ترین متحدان عراق در مبارزه با داعش نام برد. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به عنوان معمار شکست طرح‌های آمریکا در منطقه، در نامه‌ای خطاب به امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) که ۳۰ آبان ۱۳۹۶ ش در رسانه‌های ایران منتشر شد، پایان داعش را اعلام کرد و از برافراشته شدن پرچم سوریه در البوکمال از شهرهای سوریه در نزدیکی مرز عراق خبر داد. امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) نیز در پاسخ به نامه سردار شهید حاج قاسم سلیمانی درباره پایان سیطره داعش در عراق و سوریه فرمودند: شما با متلاشی ساختن توده سرطانی و مهلک داعش نه فقط به کشورهای منطقه و به جهان اسلام بلکه به همه ملت‌ها و به بشریت خدمتی بزرگ کردید (خبرگزاری تابناک).



تأمین امنیت درون‌زا، دفاع از حرم ائمه اطهار علیهم السلام، پیشگیری از اقدامات تروریستی داعش در داخل ایران، تأمین امنیت زائران عتبات عالیات در عراق و سوریه و دور کردن خطرهای داعش از مرزهای جمهوری اسلامی ایران و شکست طرح‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی برای مقابله با محور مقاومت از جمله دستاوردهای مهم محور مقاومت به فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی است.

از طرف دیگر؛ اثربخشی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در تحولات منطقه و به ویژه عراق و مهار خطرناک‌ترین پدیده ایدئولوژیکی به نام تروریسم که منطقه و عراق را تا آستانه فروپاشی ژئوپلیتیکی پیش برده بود، توان مقابله سازی جبهه مقاومت را در مقابله سازی با تهدیدات نشان داد کشورهای اسلامی توان ایجاد همگرایی با اتحاد ژئوپلیتیکی درون سازمانی و ساختاری را داشته و امکان تشکیل ارتش ائتلافی از کشورهای اسلامی با توانمندی و قدرتمند و متحد در مقابله سازی تهدیدات جهت ظرفیت‌های تأمین امنیت دراز مدت قلمرو جغرافیای جهان اسلام به خصوص کشورهای جبهه مقاومت با اولویت سوریه و عراق را بدون حضور بازیگران و مداخله گران فرا منطقه‌ای را برخوردار می‌باشند. همچنین کارکرد و تأثیرات باتجربه موفق مقاومت اسلامی در نابودی گروه‌های تروریست نیابتی و بازگشت آرامش نسبی به منطقه، صرف نظر از هزینه‌های گزافی که تروریسم به لحاظ انسانی، اقتصادی و اعتقادی و روحی روانی به مردم کشورهای منطقه غرب آسیا وارد کرد؛ ثابت نمود وقتی نیروهای درونی با کمترین امکانات می‌توانند مؤثرترین مؤلفه یعنی امنیت را به این حوزه ژئوپلیتیک با توانمندی قدرت داخلی بر محوریت کشورهای اسلامی مؤثرتر برگرداند، پس حرکت در شکل‌گیری ترتیبات جدید سیاسی - امنیتی با تکیه بر محور ژئوپلیتیک غیر وابسته ضرورت اتحادیه اسلامی با تشکیل ائتلاف و همگرایی‌ها را می‌نماید.

نتیجه گیری

بررسی شیوه مواجهه و مدیریت جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت با بحران‌های منطقه، حکایت از این دارد که جمهوری اسلامی علاوه بر آنکه برای مدیریت هر بحران از راهبردی کلان برخوردار بوده، در هر مرحله راهبردهای تاکتیکی و عملیاتی خاصی را نیز به کار گرفته است. در واقع ایران به منظور مدیریت بحران‌های موجود، در مراحل قبل از وقوع آن، در حین بحران و بعد از اتمام بحران به مدیریت پرداخته است. این امر نشان می‌دهد که عناصر و ارکان کنترل و مهار بحران نزد جمهوری اسلامی به درستی به کار گرفته شده‌اند و ایران نیز موفق به مدیریت بحران‌های پیرامون خود شده است. در این میان، مشخص بودن مدیر بحران و تیم یا نهاد و سازمان مرتبط با آن از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است؛ به خصوص که نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در بحران‌های منطقه عهده دار ایفای نقش اصلی در مدیریت بحران بوده است. همان‌گونه که در قسمت بحث اشاره شد؛ بررسی مواضع و عملکرد نیروی قدس در بحران‌های موجود حکایت از آن دارد که این نیرو از نگرشی فرصت ساز نسبت به بحران‌ها برخوردار بوده است؛ زیرا در حالی که وجود این بحران‌ها می‌توانست امنیت منطقه و به تبع آن امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با خطر مواجه کند، مدیریت بحران نیروی قدس به فرماندهی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی موجب شد تهدیدهای موجود به فرصت مبدل شوند. آنچه باعث تبدیل تهدید به فرصت از سوی نیروی قدس شد، اتخاذ راهبرد فوق فعال در مدیریت بحران‌ها بود؛ به نحوی که نه تنها وجود بحران‌ها به عنوان یک واقعیت پذیرفته شدند، بلکه به صورت فعال با آن‌ها برخورد شد. به عنوان نمونه در حالی که ظهور و بروز گروه‌های تروریستی چون داعش می‌توانستند تهدیدی جدی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تلقی شوند، سردار شهید حاج



قاسم سلیمانی با مدیریت صحیح توانست از یک سو این گروه تروریستی را از مرزها و قلمرو سرزمینی ایران دور نگه دارد و از سوی دیگر با گذر زمان و آشکار کردن ابعاد پنهانی آن، داعش را به خطری در جغرافیای مورد ادعای خود مبدل کند؛ به نحوی که در گذر زمان، اهل سنت به عنوان مهم‌ترین پایگاه اجتماعی ظهور و بروز داعش، دیدگاهی منفی نسبت به این گروه پیدا کردند. همچنین راهبرد ایران باعث شد برخی از بازیگران دخیل در بحران سوریه و عراق، نه تنها از حمایت داعش دست بردارند، بلکه به دشمن آن تبدیل شوند. به این ترتیب اتخاذ راهبرد فوق‌فعال باعث شد جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت از بحران‌های موجود، فرصت‌های قابل توجهی برای خود بیافریند.

می‌توان گفت که عملکرد موفق سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در فرماندهی عملیاتی محور مقاومت موجب ارتقای بازیگری جمهوری اسلامی ایران در سطح جهانی گردید؛ محوریت سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در تقویت بُعد دیگر قدرت سازی جهانی ایران یعنی حوزه نظامی، عملیاتی و بازدارندگی مبتنی بر شکل‌گیری نظم خاورمیانه بر محوریت محور مقاومت جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نقش‌آفرینی جهانی را دو چندان کرد. اذعان سیاستمداران و اندیشمندان کشورهای مختلف به حضور جمهوری اسلامی ایران برای حل بحران‌هایی مانند سوریه، عراق و غیره نشان از همین هموارسازی مسیر ارتقای بازیگری ایران دارد. از طرف دیگر تقابل ساختار نظام بین‌الملل با ایران را می‌توان سرچشمه همه چالش‌ها نامید که هزینه‌های مادی بسیاری بر ایران وارد کرده است؛ اغراق نیست اگر تغییر مدار این تقابل را از پیروزی ساختار به ایجاد برتری به نفع ایران، بزرگ‌ترین میراث سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در عرصه بین‌الملل بدانیم؛ چرا که سردار شهید حاج قاسم سلیمانی به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد در شکل و ماهیت مبارزه؛ یعنی تمرکز همزمان بر عرصه نظامی و سیاسی و نیز تقابل غیر مستقیم با بازیگران رهبر ساختار، توانست هم در عرصه هنجاری وزن گفتمان پویای سیاسی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت را ارتقا بخشد و هم در عرصه ژئوپلیتیکی مرزهای نفوذ آن را گسترش دهد. نوام چامسکی در کتاب «دخالت‌ها» معتقد است که کنترل ایران بر هلال شیعی و حشنتاک‌ترین کابوس برای آمریکا است؛ تحولات دو دهه اخیر منطقه که متأثر از حضور و نفوذ مستقیم سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود، این کابوس را در بدترین شکل خود برای آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین دشمن جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت به وجود آورد؛ ماحصل این کابوس یعنی تغییر توازن قدرت منطقه‌ای به نفع محور مقاومت مهم‌ترین رهاورد استراتژی سردار شهید حاج قاسم سلیمانی بود. این تغییر توازن در دل خود دو نتیجه را در عرصه بین‌المللی برای جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت به همراه داشت؛ توسعه عمق استراتژیک ایران و محور مقاومت در منطقه و به دنبال آن ایجاد توان بازدارندگی به عنوان یک شاخص مهم در تغییر الگوی ساختاری روابط بین‌الملل؛ این الگو مرز تهدیدات جمهوری اسلامی ایران را تا عمق راهبردی کشورهای متخاصم عقب راند. همچنین عینی‌ترین میراث سردار سلیمانی نقش بسیار پررنگی در بازیگری ایران به ویژه در بُعد منطقه‌ای ایفا می‌کند و در نتیجه عرصه بین‌المللی را نیز برای در نظر گرفتن منافع جمهوری اسلامی هموار کرد؛ تقویت و فعال شدن جنبش‌ها و گروه‌های مردمی تأثیرگذار در تحولات سیاسی و نظامی کشورهای منطقه بود.

منابع

- اکبری، حسین (۱۳۹۹): نقش محوری سردار سلیمانی در دفاع از فلسطین، خبرگزاری بین‌المللی قدس، ۱۳۹۹/۲/۲۷، <http://qodsna.com/fa/341588>
- پیشگاهی‌فرد، زهرا، نصرتی، شهریار و شهناز، بازدار (۱۳۹۴): ژئوپلیتیک شیعه و قلمرو خواهی ایران در شرق مدیترانه، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، صص ۲۹-۷.



- جهانگیری، سعید و اطهری، سید اسدالله (۱۳۹۷): بررسی تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران بر سیاست خارجی (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)، فصلنامه راهبرد سیاسی، سال دوم، شماره ۶، صص ۷۷-۵۵.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۴): نقش استراتژیک خلیج فارس و تنگه هرمز، تهران، سمت.
- حافظنیا، محمدرضا، احمدی پور، زهرا و چمران، بویه (۱۳۹۱): انقلاب اسلامی و پیدایش ژئوپلیتیک جدید ایران، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۵، صص ۲۳-۱.
- حافظنیا، محمدرضا، احمدی پور، زهرا و چمران، بویه (۱۳۹۱): تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری قلمروهای ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل، سال اول، شماره ۱، صص ۴۹-۲۶.
- خالد، القدومی (۱۳۹۹): حاج قاسم شهید قدس بود، خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۹/۲/۳۰، <https://www.tribnews.ir/00BPqK>
- خلیلی، محسن، حیدری، جهانگیر، صیادی، هادی و حسین، اصغری ثانی (۱۳۹۲): مدل‌سازی ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران و عراق، فصلنامه مطالعات جهان اسلام، دوره ۱، شماره ۳، صص ۴۴-۱۷.
- خبرگزاری میزان (۱۳۹۹): گزارش اهمیت روز قدس در اندیشه سپهبد حاج قاسم سلیمانی / دفاع از فلسطین عزت و شرف می‌آورد، ۱۳۹۹/۲/۳۱، <https://www.mizanonline.com/002bud>
- داوند، محمد، اسلامی، محسن و حجت، داوند (۱۳۹۷): تأثیر انقلاب اسلامی بر هندسه قدرت مقاومت اسلامی در غرب آسیا، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۹۹-۷۹.
- دریکوند، بهروز، یزدان‌پناه‌درو، کیومرث و محمد، اخباری (۱۳۹۸): ارزیابی ساختار ثبات و امنیت منطقه‌ای فضاها جغرافیایی و ژئوپلیتیکی پسا داعش در منطقه غرب آسیا (مطالعه موردی عراق)، فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)، سال نهم، شماره ۲، صص ۵۹۷-۵۷۹.
- روستایی، محمدتقی (۱۳۹۶): تحلیلی بر حمایت ایران از محور مقاومت در بحران سوریه؛ با تکیه بر رویکرد آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی، فصلنامه جریان شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۸۴-۶۹.
- زرقلانی، سید هادی و احمدی، ابراهیم (۱۳۹۶): شیعه هراسی به مثابه قلمروسازی گفتمانی محور «غربی-عربی» در بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه (مطالعه موردی: بحران سوریه)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سیزدهم، شماره اول، صص ۳۰-۱.
- زندگینامه شهید حاج قاسم سلیمانی، خبرگزاری تابناک، ۱۳۹۹، <https://www.tabnak.ir/fa/tags/6947/1/>
- سلطانی‌نژاد، احمد (۱۳۸۵): عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر شکل‌گیری سیاست خارجی سوریه در بحران لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰م)، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره دوم، صص ۱۲۹-۱۰۶.
- شیخ نعم، قاسم (۱۳۹۹): روایت حضور مستقیم سردار سلیمانی در جنگ تموز، خبرگزاری خبر آنلاین، ۱۳۹۹/ ۴/۱۷، khabaronline.ir/news/1407744
- صادقی، سید شمس‌الدین و لطفی، کامران (۱۳۹۵): بحران یمن: جدال ژئوپلیتیکی محور محافظه‌کاری با محور مقاومت اسلامی، فصلنامه سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول، صص ۶۹-۴۱.
- صفحه مجازی تاریخ ایران و جهان منتسب به دفتر آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، khabaronline.ir/news/1390192
- عترسی، طلال (۱۳۹۹): نقش حاج قاسم سلیمانی در جنگ تموز لبنان، خبرگزاری رسا، ۱۳۹۹/۴/۲۲، <https://rasanews.ir/002I54>
- علی‌پور، عباس، حیدری، جهانگیر و محمدحسین، حاجیلو (۱۳۹۶): ایران و عراق نوین از منظر استراتژی ژئوپلیتیک (فرصت‌ها و چالش‌ها)، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۱۶۸-۱۳۹.
- عمادی، سید رضا (۱۳۹۸): علل موفقیت شهید حاج قاسم سلیمانی از دید سید حسن نصرالله، خبرگزاری بین‌المللی تصویری ایران پرس، ۱۳۹۸/۱۱/۲۵، https://farsi.iranpress.com/middle_east-i182080
- عمادی، سید رضا (۱۳۹۸): سردار سپهبد شهید سلیمانی، معمار امنیت و ثبات منطقه، خبرگزاری شورای راهبردی روابط خارجی، ۱۳۹۸/۱۰/۱۸، <https://www.scfr.ir/fa/?p=120556>
- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۶): ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۸، صص ۳۳-۵.



- قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷): تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب، فصلنامه بیداری اسلامی، سال چهاردهم، شماره ۵۱، صص ۱۷۵-۱۴۳.
- قاسمیان، روح‌الله، سیمبر، رضا و احمد، جانسیز (۱۳۹۸): بسترهای کشمکش ایران و عربستان سعودی در بحران سوریه، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۳۰، صص ۲۳۸-۲۱۷.
- کایوانی‌راد، مراد، مالدار، حسن (۱۳۹۶): تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک بر راهبرد ملی (مطالعه موردی: جنوب شرق ایران)، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۹، شماره ۴، صص ۸۵۵-۸۴۱.
- گزارش خبری؛ نقش حاج قاسم در پیروزی‌های مقاومت اسلامی لبنان، خبرگزاری دفاع مقدس، ۱۳۹۸/۱۰/۲۸، <https://dnws.ir/379990>.
- مرادی، اسداله و شهرام‌نیا، مسعود (۱۳۹۴): بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال چهارم، شماره ۱۵، شماره پیاپی ۴۵، صص ۱۵۲-۱۲۵.
- مسعودنیا، حسین، ابراهیمی، شهروز و حمید، درج (۱۳۹۷): واكوی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه: چالش‌ها و پیامدها، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، شماره ۲۸، صص ۱۶۶-۱۲۶.
- مشیرزاده، حمیرا و مصباح، احسان (۱۳۹۰): موضوع اسرائیل در گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی، سال سوم، شماره اول، صص ۲۷۰-۲۴۵.
- معصومی، داود (۱۳۹۳): تأثیر موقعیت ژئوپلیتیک ایران در حمایت از جنبش حزب‌الله لبنان، فصلنامه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی دانشکده و پژوهشکده دفاعی (دافوس)، سال سیزدهم، شماره ۷۷، صص ۱۲۰-۹۵.
- مفخمی شهرستانی، حسن و نیرومند، حیدر علی (۱۳۹۸): نقش عوامل ژئوپلیتیک در قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات دفاعی راهبردی، سال هفدهم، شماره ۷۶، صص ۲۸۰-۲۵۹.
- میراث حاج قاسم سلیمانی در سوریه، خبرگزاری تحولات جهان اسلام، ۱۳۹۸/۱۰/۲۶، <https://iswnews.com/26423>.
- میرزائی، محمدمهدی و امیری، سروش (۱۳۹۸): تبیین راهبردهای محورهای سه‌گانه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی در مناقشه سوریه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره اول، صص ۱۴۰-۱۱۱.
- ناصر، ابوشریف (۱۳۹۸): شهید حاج قاسم سلیمانی به فلسطین نگاهی عبادی داشت، خبرگزاری فرهنگ و هنر، ۱۳۹۸/۱۰/۲۹، <http://fhnews.ir/fa/news/104256>.
- نجات، سید علی و جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۹۲): بررسی نقش و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال سوم، شماره هشتم، صص ۴۹-۲۹.
- نجات، سید علی (۱۳۹۳): راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۴، صص ۶۵۵-۶۳۱.
- ۳۸- نصرالله، سید حسن (۱۳۹۸): شهید سلیمانی در سال ۲۰۰۰، نقش اساسی در آزادسازی جنوب لبنان ایفا کرد، خبرگزاری بین‌المللی قدس، ۱۳۹۸/۱۰/۲۳، <http://qodsna.com/fa/337209>.
- نواختی مقدم، امین و بری، نیکنام (۱۳۹۸): بحران سوریه؛ عرصه تقابل منطقه‌ای ایران با محور سه‌گانه آمریکا، اسرائیل و عربستان، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره چهارم، صص ۴۸-۲۵.
- نوعی، رحیم (۱۳۹۸): ۸ ویژگی سردار سلیمانی در فرماندهی جنگ سوریه، خبرگزاری مشرق، ۱۳۹۸/۷/۱۰، mshrgh.ir/998029.
- Soufan, Ali (2018): Qassem Soleimani and Irans Unique Regional Strategy, CTCSENTINEL, November 2018, Vol 11, Issue 10.
- Turak, Natasha (2020): The puppet master is dead': Iranian Gen. Qasem Soleimani's power, and why his death is such a big deal, <https://www.cnbc.com/2020/01/03/who-was-iranian-general-qasem-soleimani-and-why-his-killing-matters.html>.

